

## نگاهی به نظریه زبان‌های آلتایی

بهروز بیک‌بابایی\*

استادیار زبان و ادبیات ترکی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۰۷)

### چکیده

با آنکه نظریه زبان‌های آلتایی در نظر عامه مردم پذیرفته تلقی می‌شود، ولی تأیید یا رد این نظریه در بین آلتائیس‌ها همچنان مورد بحث و مناقشه است. با دلایلی که موافقان و مخالفان نظریه به یکدیگر ارائه می‌دهند، این نظریه تا امروز به طور قطعی نه رد شده‌است و نه مثل نظریه زبان‌های هند و اروپایی یا نظریه زبان‌های حامی-سامی به طور قطعی تأیید شده‌است. در این مقاله، سعی شده‌است با ارائه نظرات و دیدگاه‌های هر دو گروه به تشریح وضعیت موجود پرداخته شود. در این نوشته، نام افراد صاحب‌نام هر دو گروه همراه با دیدگاه آنان هم ذکر شده‌است، ولی در پایان، با آوردن دیدگاه‌های رامستد (Gustaf John Ramsted) - آلتائیس‌ مشهور دانمارکی - در دوره مخالفت وی با نظریه و در دوره موافقت و همگامی وی در اثبات نظریه، به نوعی در شرف به اثبات رسیدن نظریه بیان شده‌است. رامستد در ابتدا مخالف سرسخت نظریه زبان‌های آلتایی بود، ولی بعدها با یافته‌های جدید و فراوان خود از طرفداران و موافقان این نظریه شد. در پایان هم درختواره‌های خانواده زبانی آلتایی نشان داده شده‌است.

**کلیدواژه‌ها:** نظریه آلتایی، آلتائیس‌ها، ترکی، مغولی، تونگوزی، رامستد.

## ۱. مقدمه

ترک‌ها در مناطق مختلف جهان پراکنده شده‌اند و گسترش یافته‌اند. بنابراین، زبان ترکی با زبان‌های زیادی در ارتباط بوده‌است. در نتیجه این ارتباط، بین زبان ترکی و زبان‌های دیگر تأثیرهای متقابلی پدید آمده‌است. زبان ترکی از این زبان‌ها عناصر بیگانه وام گرفته‌است و چیزهای بسیاری هم به آن‌ها قرض داده‌است.

در راستای حضور ترک‌ها با نام «ترک» در صحنه تاریخ، ارتباط آن‌ها با اجداد مغول‌ها (Mongol)، مانچوها (Mançu) و تونگوزهای (Tunguz) امروزی، در جنوب با چینی‌ها، در غرب با فین-اوقورها (Fin-Ugorlar) معلوم است. بعدها ترک‌هایی که در غرب و جنوب غربی پراکنده شده بودند، با هند، ایران و دنیای بی‌زانس آشنا شدند و بعد از مسلمان شدن هم با دنیای اعراب و ایران ارتباط تنگاتنگی برقرار کردند.

با وجود اهمیت زیاد زبان فارسی و عربی از نظر ریشه‌شناسی ترکی، در این موضوع در ترک‌شناسی از دیدگاه زبان‌شناسی، این دو زبان فقط نقش کمکی را ایفا می‌کنند؛ زیرا بین زبان ترکی و زبان‌های فارسی و عربی نه از لحاظ واژگان (به استثنای انتقال واژه‌ها از زبانی به زبان دیگر در نتیجه تأثیر متقابل)، نه از لحاظ ساخت‌واژی و نه از لحاظ نحوی شباهتی وجود ندارد. وضعیت بین زبان ترکی با چینی، سانسکریت، اسلاو و زبان‌های هندی و اروپایی هم چنین است. در عین حال، این زبان‌ها هم برای زبان ترکی بیگانه هستند (-3: Temir, 1992). در اینجا درباره منشأ زبان ترکی و ارتباط نژادی آن با دیگر زبان‌ها دیدگاه‌های مختلفی مطرح است که در پایین آن‌ها را نشان خواهیم داد. این دیدگاه‌ها حول نظریه زبان‌های آلتایی به عنوان موافق یا مخالف جمع شده‌اند.

## ۲. نظریه زبان‌های آلتایی

زبان‌های آلتایی (Altay Dilleri) نام نظریه‌ای است که می‌گوید زبان‌های ترکی، مغولی، تونگوزی، کره‌ای و ژاپنی از یک ریشه مشترک به وجود آمده‌اند و خویشاوند بودن این زبان‌ها را با یکدیگر می‌پذیرد (Ercilasun, 2004: 17). بر اساس این نظریه، این زبان‌ها از یک زبان مادری مشترک به وجود آمده‌اند. زبان مادری مشترک نیز یک زبان فرضی است که طبیعتاً اسمی ندارد. افرادی که نظریه خویشاوندی را می‌پذیرند، به این زبان فرضی نام «زبان آلتایی» داده‌اند. به مجموعه زبان‌های خویشاوندی که در گذر زمان از زبان آلتایی جدا شده‌اند و به صورت زبان مستقل درآمده‌اند، نام «خانواده زبان‌های آلتایی» داده شده‌است. به نظر می‌رسد در

اینجا یادآوری نظریه سِر ویلیام جونز و واقعیت حوزه زبانی درباره تغییرات زبان‌ها، ما را در فهم بهتر نظریه زبان‌های آلتایی یاری خواهد کرد.

### ۳. نظریه سِر ویلیام جونز

ویلیام جونز بر این است که: «۱- زبان‌ها به صورت موازی و در کنار هم تغییر می‌کنند، نه به ترتیب. ۲- امکان دارد این زبان مادری مشترک امروزه وجود نداشته باشد» (آرلوتو، ۱۳۸۳: ۶۴). اگر بخواهیم طبق این نظریه، تئوری زبان‌های آلتایی را بیان کنیم، یعنی زبان‌های متعلق به این خانواده از یک زبان فرضی به نام زبان آلتایی در دوره‌های زمانی مشخص جدا شده‌اند و هر زبان در مسیر حیات خویش، تغییرات متعلق به خود را داشته‌است و این تغییرات از تغییرات همزمانی که در زبان خواهر دیگر اتفاق می‌افتد، متفاوت است. موافقان نظریه زبان‌های آلتایی با استفاده از این نظریه درصدد اثبات نظریه مذکور هستند.

### ۴. حوزه زبانی

در بعضی از مواقع، قرن‌ها ارتباط میان زبان‌ها می‌تواند نتیجه شایسته توجهی به دنبال داشته باشد و به عبارتی، ویژگی‌های ساختاری چند زبان همسایه که با یکدیگر خویشاوند نیستند، مشترک می‌شود، در حالی که این زبان‌ها در این ویژگی‌های تازه به دست آمده، با زبان‌های خویشاوند خود مشترک نیستند. به جاهایی که برای این گروه‌های زبانی این ویژگی‌ها را فراهم می‌کند، «حوزه زبانی» (Linguistic area) و یا اصطلاح آلمانی Sprachbund گفته می‌شود (Trask, 1996: 315). چنان‌که در ادامه خواهد آمد، مخالفان نظریه زبان‌های آلتایی شباهت‌های موجود در این زبان‌ها را به حوزه زبانی مربوط می‌دانند، نه به خویشاوندی زبانی آن‌ها. حال برای اینکه وضعیت پذیرش و عدم پذیرش نظریه را نشان دهیم. ابتدا محققان معروفی را که از مخالفان این نظریه بوده‌اند، ذکر می‌کنیم و در پی آن، نگرش و دلایل رد و عدم پذیرش نظریه از سوی این مخالفان را نیز بیان خواهیم کرد و به دنبال آن، دانشمندان موافق نظریه را نام برده، نگرش و دلایل پذیرش نظریه از سوی آنان را نشان خواهیم داد. در پایان نیز نگاهی گذرا به درخت‌واره‌های زبانی مطرح‌شده در باب این نظریه خواهیم داشت.

### ۵. مخالفان نظریه زبان‌های آلتایی

در حالی که بعضی از دانشمندان در موضوع نظریه زبان‌های آلتایی بلا تکلیف و سرگردان مانده‌اند، برخی دیگر از دانشمندان به شدت مخالف این نظریه هستند. از مخالفان سرسخت این نظریه می‌توان به آلورلین ساوواگوت (Aorelien Sauvageot)، سر جرارد کلاوسون (Sir Gerard Clauson)، گرهارد دُرفِر (Gerhard Doerfer) و آ. ام. شچرباک (A. M. Şçerbak)، و. ال. کوتویچ (V. L. Kotvič)، جی. دی. سانژوو (G. D. Sanjev)، بی. آ. سربرنیکوو (B. A. Serebrennikov) و از مخالفان غربی، به کار گرونبیچ (Kaare Grønbech)، کروگر (Krueger)، مغول‌شناس مجارستانی، لیگتی (Ligeti)، از ترک‌شناسان آلمانی، بنزینگ (Benzing)، سینور (Sinor) مجارستانی‌الأصل (که در آمریکا ساکن است) و جز این‌ها اشاره کرد که ادعا می‌کنند حتی اگر شباهت‌های تیبی بین این زبان‌ها هم دیده شود، دلیل بر داشتن ارتباط ریشه‌ای نیست و این طور فکر می‌کنند که این نزدیکی و تشابه در نتیجه ارتباط بین این زبان‌ها، یعنی ارتباط از نوع حوزه زبانی است (Temir, 1992: 23; Tekin, 2002: 76 & Ercilasun, 2004: 19).

### ۶. موافقان نظریه زبان‌های آلتایی

سر جرارد کلاوسون ماهیت زبان تونغوزی را خیلی متفاوت از زبان مغولی و ترکی می‌داند و نشان می‌دهد که لغات پایه (مثلاً در اعداد و افعال اصلی چون «آموختن، گرفتن، دادن، رفتن، اسب، خوب، بد و...» و به طور کلی، اشیاء و مفاهیم) در زبان‌های ترکی، مغولی و تونغوزی یکی نیستند. در نتیجه، به این نظریه اعتراض کرده، آن را رد می‌کند. کلاوسون بر این باور است که کلمات مشترک در زبان‌های ترکی و مغولی از زبان ترکی به مغولی وارد شده‌است و فهرست تفاوت‌های آوایی این کلمات را به دست داده، بعدها این اقتباس‌ها را به صورت موضوعی دسته‌بندی کرده‌است (Tekin, 2002: 76 & Ercilasun, 2004: 19).

مخالفت دورفر هم به سبب کلمات پایه است: ایشان یازده «واژه پایه اصلی» در ارتباط با بدن انسان (سر، چشم، گوش، بینی، دهان، زبان، دندان، مو، قلب، دست و پا) و پنج «واژه پایه میانی» (لب، انگشت، زانو، ریش و گردن) را در زبان‌های مختلف انتخاب و بررسی کرده‌است. دورفر اثبات کرده که واژه‌های پایه‌ای اصلی خیلی کم تغییر می‌کنند (به عاریه گرفته نمی‌شوند)، میزان تغییرات واژه‌های پایه‌ای میانی هم خیلی کم می‌باشد. فقط «واژه‌های پایه‌ای فرعی» مانند «مژه» زیاد تغییر می‌کند؛ یعنی به عاریه گرفته می‌شود. در انتها هم برای اثبات

دیدگاه خود، این نظریه را در زبان‌های آلتایی بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که هیچ کدام از واژه‌های پایه‌ای اصلی در زبان‌های ترکی، مغولی و تونغوزی مشترک نیستند. دورفر عین این تحقیق را در خانواده‌هایی که به طور قطع خویشاوند به شمار می‌آیند نیز انجام داده‌است و نشان داده که از شانزده واژه اصلی و میانی در زبان‌های سامی، همگی در زبان‌های هند - اروپایی سیزده، در زبان‌های دراویدی ده، در زبان‌های اورال هشت واژه یکی بوده‌است و اثبات کرد که در زبان‌های آلتایی هیچ کدام از این‌ها یکی نیست. بدین گونه، «نظریه خویشاوندی زبان‌های آلتایی» را «نادرست» و «از بین رفته» به حساب آورده‌است. دورفر بر این باور است که کلمات مشترک و مشابه در زبان‌های ترکی و مغولی در نتیجه تماس این دو زبان به عاریه گرفته شده‌اند و به ترکی، «زبان عاریه‌دهنده» و به مغولی، «زبان عاریه‌گیرنده» می‌گوید (Tekin, 2002: 76; Ercilasun, 2004: 19 & Dorfer, 1983: 1-16).

اولین کسی که پیدا نشدن اعداد مشترک در زبان‌های آلتایی را ضعف نظریه زبان‌های آلتایی دانست، رامستد بود. رامستد بعدها پیدایش بی‌شمار تعادل آوایی را بسیار مهم‌تر از پیدا نشدن اعداد مشترک قلمداد کرده بود (Tekin, 2003: 88).

به نظر کوتویچز (Kotwicz)، در ابتدای دوره مسیحیت، سه گروه زبانی ترکی (مادر)، مغولی (مادر) و تونغوزی (مادر) از نظر ساختاری نزدیک به هم بود که از این‌ها ترکی بر مغولی و مغولی بر زبان تونغوزی تأثیر بزرگی داشته‌است. به نظر کوتویچز، موضوع بحث تشابهات در میان زبان‌های نامبرده، در نتیجه شباهت‌های اصلی ساختاری، تماس و تأثیرهای متقابل به وجود آمده‌است (Tekin, 2002: 75). همان گونه که مشخص است، نظریه کوتویچز از نظر نتایجی که قبلاً حاصل شده بود، از نظریه رامستد جدا می‌شود. رامستد خویشاوندی ریشه این‌ها را دلیل این شباهت‌ها و یکی بودن‌ها می‌داند، ولی کوتویچز بر این باور است که دلیل این شباهت‌ها در نتیجه تماس‌های متقابل است.

## ۷. دانشمندان طرفدار و موافق نظریه زبان‌های آلتایی

از بزرگ‌ترین نام‌ها در نظریه زبان‌های آلتایی، دانشمند فنلاندی، گوستاف جان رامستد (۱۸۷۳-۱۹۵۰ م.) ارائه‌دهنده واقعی نظریه زبان‌های آلتایی، دانشمند آلمانی، تبار نیکلاس پوپه (Nicholas Poppe: ۱۸۹۷-۱۹۹۱ م.) و باز هم دانشمند فنلاندی، پنتی آالتو (Pentti Aalto: ۱۹۱۷ م.) است و نام‌های مشهور دیگر همچون ترک‌شناس اکراینی، پریتساک (Pritsak)، کارل اچ. منگس (Karl H. Menges)، جی. سی. استیریت (J. C. Stree) و از دانشمندان شوروی

سابق، ان. آ. باسکاکوو (N. A. Baskakaov)، ایلیچ سویتیچ (İlliç Svitic)، ای. دی. پووانو (E. D. Poivanov)، ولادیسلاو کوتویج (Wladislaw Kotwic: ۱۸۷۲-۱۹۴۴م.) و بوریس یاکولوویچ ولادیمیرتسو (Boris Yakovlevič Vladimirtso: ۱۸۸۴-۱۹۳۱م.) و... وجود ارتباط نژادی بین این زبان‌ها را قبول دارند (Ercilasun, 2002: 67 & Temir, 1992: 32; Ercilasun, 2004: 30).

ساموئل ای. مارتین (Samuel E. Marti) و روی اندرو میلر (Roy Andrew Miller) از دانشمندانی سرشناسی هستند که زبان ژاپنی را هم در گروه خانواده زبان‌های آلتایی قرار داده‌اند. در عین حال که بعضی از محققان زبان ژاپنی، زبان ژاپنی را در گروه زبان‌های آلتایی جای می‌دهند، تعداد زیادی هم از ژاپنی‌پژوهان هستند که میان زبان ژاپنی و زبان‌های آسترونزیا (Astronezya) مطابقت‌هایی پیدا کرده‌اند؛ پی. بندیکت (P. Benedict) و کاواموتو (Kavamoto) هم زبان ژاپنی را در خانواده زبان‌های آسترو-تای (Astro-Tay) قرار داده‌اند (Ercilasun, 2004: 21). دانشمندانی که در ترکیه به نظریه زبان‌های آلتایی پرداخته‌اند، عبارتند از: احمد تمیر، عثمان ندیم تونا، طلعت تکین و تونجر گولن سوی (Tuncer Gülensoy).

آخرین تحقیقات گسترده درباره زبان‌های آلتایی مربوط به سرگئی استروستین (Sergei Starostin)، آنا دیبو (Anna Dybo) و اولگ مودراک (Oleg Mudrak) با «فرهنگ لغت اتیمولوژیکی زبان‌های آلتایی I-III» (Ercilasun, 2004: 21) می‌باشد. نویسندگان این اثر بزرگ که تقریباً نیمی از واژه‌های این اثر را واژه‌های جدید تشکیل می‌دهند، ۲۸۰۰ کار اتیمولوژی انجام داده‌اند و برای هر کلمه در پنج زبان آلتایی و گویش‌های آن‌ها، تمام معادل‌هایی را که پیدا می‌شد، نشان داده‌اند (Ercilasun, 2004: 21).

## ۸. دیدگاه‌های طرفدار نظریه زبان‌های آلتایی

تحقیقات و بررسی‌های مقایسه‌ای روی زبان‌ها و گروه‌های زبانی از چهار منظر «۱- نحو، ۲- واژه‌شناسی، ۳- آواشناسی و ۴- گنجینه واژگانی» صورت می‌گیرد؛ یعنی بررسی مقایسه‌ای از چهار جنبه ذکر شده، در نتیجه‌گیری بهتر در باب این نظریه نقش کمکی ایفا خواهد کرد. در اینجا با آوردن مثال‌های پذیرفتنی و شناخته‌شده درباره موضوعات فوق که برای اثبات نظریه از طرف طرفداران نظریه مطرح شده، سعی خواهیم کرد بر شفاف شدن دیدگاه و نگرش طرفداران نظریه کمک کنیم.

دو تعادل و توازن آوایی که در زیر آمده، از اصول اساسی نظریه زبان‌های آلتایی است:

۱. Z ترکی = R چواشی، مغولی، مانچو - تونغوزی و کره‌ای.
  ۲. Ş ترکی = L چواشی، مغولی، مانچو - تونغوزی و کره‌ای ( Poppe, 1994: 24; Temir, 1992: 42; Tekin, 2002: 35 & Abullayev, 1987: 42); یعنی Z و Ş ترکی به ترتیب معادل L و R در زبان‌های چواشی، مغولی، مانچو - تونغوزی و کره‌ای می‌باشد؛ برای نمونه، در مقایسه بین زبان‌های مذکور، مثال زیر از کتاب پوپه برگرفته شده است (Poppe, 1994: 27).
- ترکی t-، یاقوتی t-، چواشی -ç، مغولی -ç، کره‌ای t-.
- ترکی taş، یاقوتی tās، چواشی cul، مغولی cilagun (سنگ)، کره‌ای tol (سنگ).
- مثال‌های مرتبط با صدا دارها از کتاب جعفر اوغلو گرفته شده است (Caferoğlu, 1958: 32-):

- ترکی: هجای اول ه، چواشی: هجای اول ه، مغولی: هجای اول ی.

- ترکی: هجای اول sarı (زرد)، چواشی: هجای اول şüre (سفید)، مغولی: هجای اول sira (زرد).

- ترکی: هجای دوم u، مغولی: هجای دوم u.
- ترکی: هجای دوم sarı (زرد)، مغولی: هجای دوم sira (زرد).
- ترکی باستان: altun (طلا)، مغولی: altan (طلا).
- ترکی باستان: taluy (دریا)، مغولی: Dalay (دریا).

محدوده خویشاوندی زبان‌های آلتایی فقط هماهنگی آوایی نیست، بلکه شباهت‌های بسیاری درباره ساخت‌واژی نیز وجود دارد. پژوهش‌های صورت گرفته در رده‌های مختلف - به طور متوسط در دو، سه و گاهی چهار زبان - حاکی از وجود نزدیک به یکصد «وَنَد» (پسوندها) مشترک در این زبان‌هاست. شمار پسوندهای شناخته شده قطعی در پسوندهای زبان آلتایی مادر، کمتر از یک سوم این می‌باشد.

مثال‌هایی برای وندهای گروه اول:

-çAK, -çI, -çIK, -d, -DA, -KI, -IAr, -IIG, -msIG, -rU; -AçI, -ç, -G, -GA, -GaçI, -GU, -I, -m, -mA, -n, -r; -d-, -DA-, -GA-, -Kır-, -A-, -IA-, -rA-, -rKA-

از مهم‌ترین پسوندهای شناخته شده در زبان آلتایی مادر، وندهای حالت (Case suffixes)

می‌باشد:

\*-n (genitive, instrumental), -I, \*-g (accusative), \*-A, \*-gA (dative), \*-dA \*-dU (locative), \*-rA (directive-locative), \*-rU (lative), \*-H (prosecutive), \*-dI (instrumental), \*-ç, \*-çA (equative). (Tuna 2002: 21).

در بین زبان‌های آلتایی، از نظر نحوی هم اشتراکات زیادی وجود دارد. عثمان ندیم تونا

خلاصه این موضوع را به گونه‌ای مطلوب به شکل زیر بیان کرده‌است:

«در زبان آلتایی مادر، کوچک‌ترین جمله فعلی، یک فعل صرفی است. این در جمله امری فقط عبارت از ریشه فعل و یا ستاک فعل است. در جمله، فاعل قبل از فعل، مضاف قبل از مضاف‌الیه، اعضای درجه دوم قبل از اعضای درجه اول می‌آید. فعل در آخر جمله می‌آید. تفاوت بین ترکیب‌های اضافی و جملات اسمی بستگی به چیدمان واژه‌ها دارد. بنابراین، چیدمان واژه‌ها در جملات اسمی، جمله را به وجود می‌آورد (= جمله خبری). در این گونه جملات، در استفاده از فعل ربط اجباری وجود ندارد. رمز مشخصی بین اسم و صفت وجود ندارد. این امر بیشتر به چینش واژگان مربوط می‌شود. در زبان آلتایی مادر، نشانه‌ای برای نمایش دادن جنسیت وجود دارد. از این رو، در جملات به سبب تفاوت جنس، تغییری صورت نمی‌گیرد. در ترکیب‌های اضافی، فقط مضاف می‌تواند پسوند جمع بگیرد. بنابراین، در این‌ها توازن مفرد و جمع صورت نمی‌گیرد. جملات نه بر اساس ارتباط اعضای جمله و نه بر اساس ترتیب ظهور (آمدن) افکار در مغز (Cursive)، بلکه بر اساس اتمام منظم و سلسله‌مراتبی افکار (کمپلکس) بیان می‌شود. از این‌ها، نوع اول همچون نظم یک تسبیح است و نوع دوم همانند جای دادن کوچک‌ها در داخل بزرگ‌هاست و همان جعبه بزرگ هم در داخل یک جعبه بزرگ‌تر از خود قرار می‌گیرد و الی آخر؛ یعنی شبیه به جعبه‌ای بزرگ می‌شود که جعبه‌های متوالی زیادی را در داخل خود جای داده‌است. در اولی، بدون حذف دانه‌های قدیمی تسبیح می‌توان دانه‌های جدید اضافه کرد. در دومی، هم جعبه بزرگ را با جعبه بزرگ‌تر عوض کردن و جعبه و یا جعبه‌های اضافه‌شده را دوباره و تودرتو قرار دادن و پُر کردن بزرگ‌ترین جعبه است. در زبان آلتایی مادر، پیشوند وجود ندارد. در مقابل، از لحاظ پسوندی بسیار غنی است. با این حال، باید متذکر شد که در زبان‌های چواشی، مغولی و تونگوزی برای وجه منفی فعل امر، جدا از افعال منفی، از حروف تعریف هم استفاده می‌شود. این‌ها در عین حال که می‌توانند رد پای یک ساختار قدیمی باشند، نیز می‌توانند جدا از زبان آلتایی از منبع دیگری هم نشئت گرفته باشند» (Tuna, 2002: 21-22).

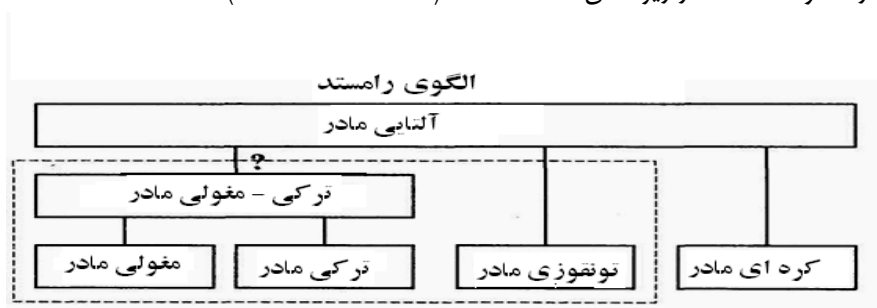


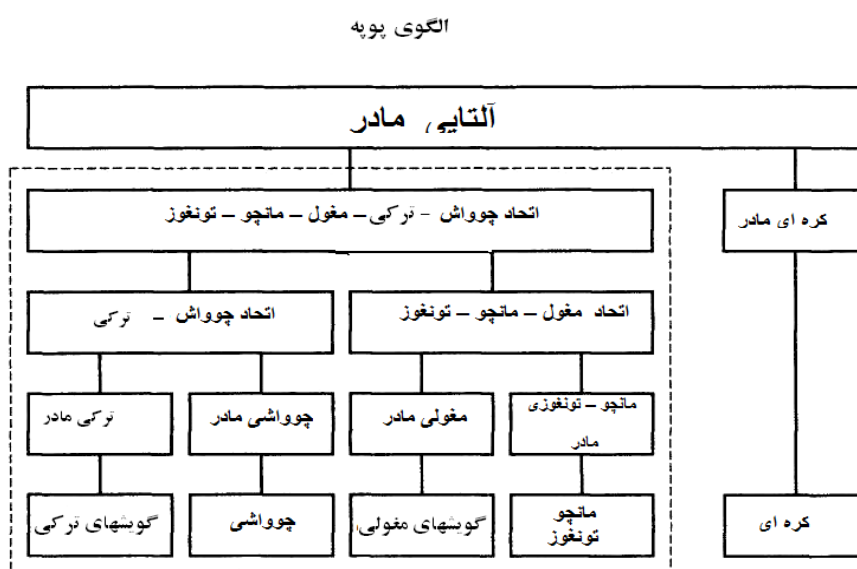
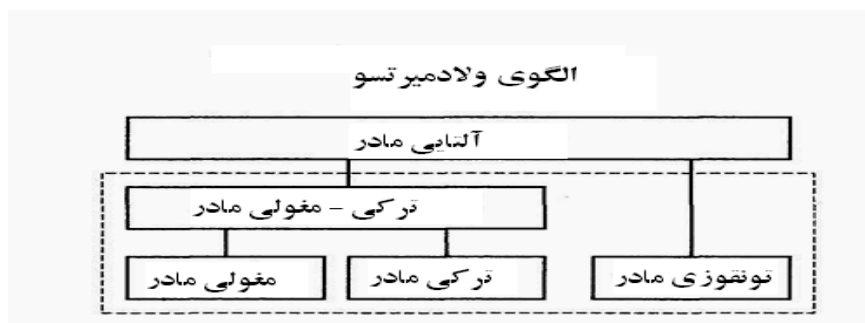
- شباهت‌هایی که زبان‌های اورال - آلتایی را از زبان‌های هند و اروپایی جدا می‌کند، پیرامون چهارده نکته زیر جمع‌آوری شده است:
۱. هماهنگی آوایی در تمام زبان‌های اورال - آلتایی یک اساس مشترک است.
  ۲. در این زبان‌ها، جنسیت دستوری وجود ندارد.
  ۳. حروف تعریف یافت نمی‌شود.
  ۴. طبقه‌بندی با پسوندها صورت می‌گیرد.
  ۵. در صرف اسامی، پسوند مالکیت استفاده می‌شود.
  ۶. تنوع فعل بسیار زیاد است.
  ۷. به جای پیشوند در زبان‌های هند و اروپایی از پسوند استفاده می‌شود.
  ۸. صفت قبل از اسم می‌آید.
  ۹. بعد از اعداد پسوند جمع به کار نمی‌رود.
  ۱۰. مقایسه، با مفعول‌عنه (پسوند -den) ساخته می‌شود.
  ۱۱. به جای فعل کمکی «هابره» (habere: مالک شدن) از «اسسه» (esse: شدن) استفاده می‌شود.
  ۱۲. در بسیاری از زبان‌های اورال-آلتایی برای منفی کردن فعل خاصی وجود دارد.
  ۱۳. پسوند سؤالی وجود دارد.
  ۱۴. به جای حروف ربط اشکال فعلی به کار می‌رود (Temir, 1992: 5-6).
- محققانی که ارتباط بین زبان‌های ترکی و مغولی را باور دارند، به تشابه ساخت‌واژی اهمیت بیشتری می‌دهند. وی. آل. کوتویچ از مقایسه زبان‌های ترکی و مغولی به این نتیجه می‌رسد که این زبان‌ها در سطح ساخت‌واژی پنجاه درصد و در سطح واژگانی، بیست‌وپنج درصد با یکدیگر همگون هستند. ان. ای. باساکوو بیشتر بودن الگوی هماهنگی و همگونی این زبان‌ها را در سطح ساخت‌واژی از سطح واژگانی را این گونه بیان می‌کند: «این موضوع در مورد هم‌ریشه بودن زبان‌های نامبرده قابل قبول‌ترین دلیل می‌باشد؛ زیرا زبان‌هایی که با یکدیگر خویشاوند نیستند، ارتباط و تأثیر متقابل در سطح واژگانی بیشتر است، نه در سطح ساخت‌واژی» (Abullayev, 1987: 1).

با توجه به شواهدی که ارائه شد، بیشتر صاحب‌نظران نظریه زبان‌های آلتایی را پذیرفته‌اند و برای اثبات نظریات خویش و نیز زمان تقریبی شکل‌گیری زبان‌ها از زبان آلتایی مادر، اقدام به ترسیم نمودار درختی خانواده آلتایی نموده‌اند که به برخی از آن‌ها در زیر اشاره شده‌است.

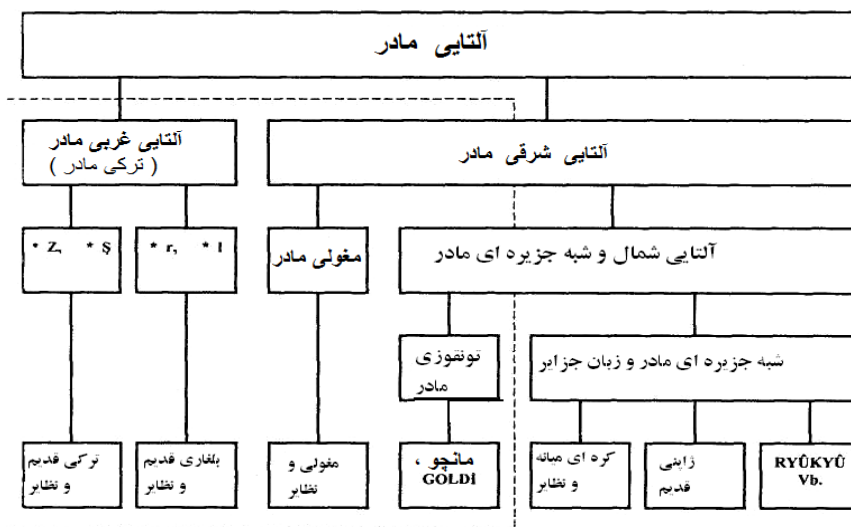
### ۹. نمودارهای درختی نظریه زبان‌های آلتایی

نمودار درختی خانواده زبانی بیانگر این است که بسیاری از زبان‌ها از یک زبان واحد جدا شده‌اند و به‌رغم تأثیر بعضی عوامل و عناصر بیگانه، انتقال بخش‌های اساسی زبان با یک پیوستار از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد (ر.ک؛ آرلوتو، ۱۳۸۳: ۶۸). آلتائست‌ها بر این باور نیستند که زبان‌های آلتایی در یک زمان معلوم و مشخص از زبان مشترک جدا شده باشند. ما هم این احتمال را می‌دهیم که زبان‌های آلتایی در گذشته دور از زبان آلتایی مادر جدا شده‌اند و تا امروز این ارتباط نژادی در سطح گرامر، ساخت‌واژی، آواشناسی و معنی حفظ شده‌است. با این حال، این زبان‌ها در دوره‌های بعدی در نتیجه تماس با یکدیگر کلمات زیادی از یکدیگر به‌عاریه گرفته‌اند. نمودارهای درختی این اختلافات را در باب زمان انشعابات زبانی به‌وضوح نشان می‌دهد. نمودارهای رامستد، ولادمیرتسو، پوپه، میلر و استریت که از نظر جدایی زبان‌ها از زبان مادر متفاوت هستند، در زیر نشان داده شده‌است (Tuna, 2002: 31-32).

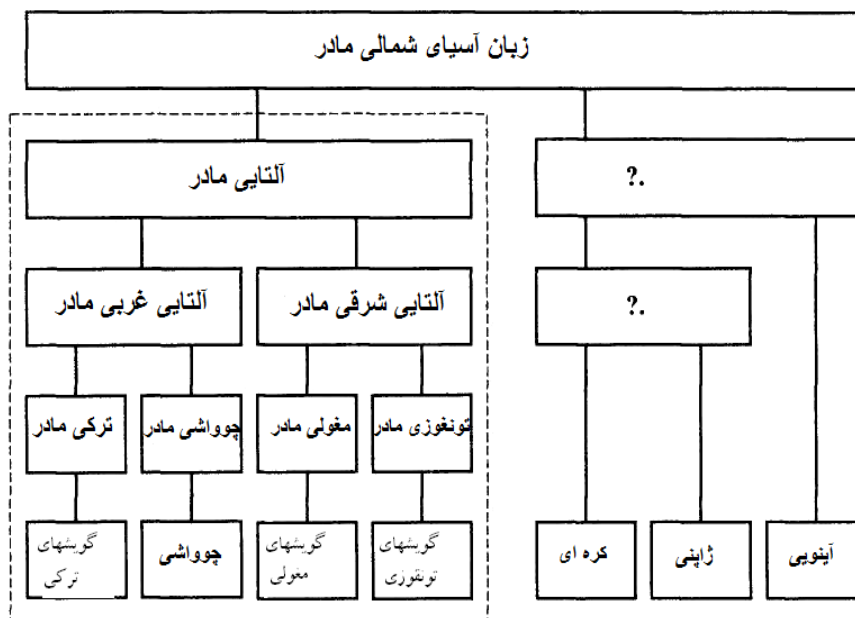




الگوی میلر



الگوی استریت



## ۱۰. نتیجه‌گیری

چنان‌که بیان شد، همانند ادعای بعضی از محققان، خویشاوندی ریشه‌ی زبان‌های آلتایی هنوز به طور قطع اثبات‌شده به حساب نمی‌آید. فقط هیچ یک از کسانی که با نظریه‌ی زبان‌های آلتایی مخالف هستند، تا امروز نتوانسته‌اند با نشان دادن دلایلی که از نظر یک زبان‌شناس پذیرفتنی باشد، این نظریه را باطل کنند؛ برای مثال، در زبان مغولی کلمه‌ی «نیرای» (*niray*) به معنی «تازه، تازه متولدشده» و در زبان مانچو، کلمه‌ی «نارھون» (*narhun*) به معنی «سبز» کلماتی هستند که به عاریه گرفته شدن آن‌ها از زبان ترکی و یا وجود کلمه‌ی «نار» (*\*nar*)، به معنی «بهار» به این شکل در هیچ یک از دوران‌های ترکی تا امروز اثبات نشده‌است (Tekin, 2002: 83). پس بنا بر آنچه گفته شد، گرچه طرفداران هر دو گروه بر عقیده‌ی خود مصمم هستند، ولی بیشتر گرایش به سوی پذیرش این نظریه است. همچنین، تغییر نگرش رامستد، دلیل بارز این گرایش است. از طرفی، با وجود مخالفان معدود این نظریه، در محافل علمی این نظریه پذیرفته شده فرض می‌شود. همچنین، از این نظر که اینک محقق برجسته و صاحب‌نظری که از مخالفان نظریه باشد و در قید حیات باشد، وجود ندارد، ولی طرفداران این نظریه فرضیه را اثبات‌شده فرض نموده، تحقیقات خود را در این راستا انجام می‌دهند. بنابراین، به نظر می‌رسد که این نظریه با وجود بلا تکلیفی، از نظر اثبات یا رد به شکل اثبات‌شده فرض خواهد شد.

## ۱۱. منابع و مأخذ

آرلوتو، آ. (۱۳۸۳). *درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی*. ترجمه‌ی یحیی مدرس‌ی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی. اگریدی، ویلیام، مایکل دابروولسکی و مارک آرنف. (۱۳۹۱). *درآمدی بر زبان‌شناسی معاصر*. ترجمه‌ی علی درزی. چ ۵. تهران: سمت.

- Abullayev, E. Z. (1987). "Azerbaycan-Moğol-Dil İlişkileri". *TDAY- Belleten*. Ankara: TDK Yayınları, Sayı: 545.
- Caferoğlu, Ahmet. (1958). *Türk Dili Tarihi I*. İstanbul: İ.Ü. Edebiyat Fakültesi Yayınları.
- Etymological Dictionary of the Altaic Languages*. (2003). Vol. I-III. Brill. Pp.540.
- Ehlich, K. (1994). "Communication Disruptions: on Benefits and Disadvantages of Language Contact". *Language Contact Language Conflict*. Martin Putz. Philadelphia & Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.
- Ercilasun, A. B. (2004). *Türk Dili Tarihi*. Ankara: Akçağ.
- Johanson, L. (2001). *Discoveries on The Turkic Linguistic Map*. Stokholm: Uppsala.
- Johanson, L. (2002). *Structural Factors in Türkik Language Contacts*. Frankfurt: Cyrzon.
- Ölmez, M. (1996). "Sarı Uygurlar ve Sarı Uygurca". *Çağdaş TÜRK DİLİ*. Sayı: 98.
- Poppe, Nikolaus. (1994). *Altay Dillerinin Karşılaştırmalı Grameri, 1. Kısım – Karşılaştırmalı Ses Bilgisi*. Çeviren: Zeki Kaymaz. İstanbul.

- Tekin, T. (2003). "Altay Dilleri Teorisi". *Makaler 1*. Hazırlayan Emine yılmaz, Nurettin Demir. Ankara: Grafik Yayınları.
- Temir, A. (1992). "Ural-Altay ve Altay dilleri". *Türk Dünyası El Kitabı*. Ankara. cilt 1. Sayı: A-23.
- Thomason, S. G. & Kaufman, T. (1991). *Language Contact, Creolization, and Genetic Linguistics*. Berkley, Los Angeles, Oxford: Universty of California Press.
- Trask, R. L. (1996). *Historical Linguistic*. New York: St Martin's Press.
- Tuna, O. N. (1992). "Altay dilleri Teorisi". *Türk Dünyası El Kitabı*. Ankara. cilt 1. Sayı: A-23.